

## دین و مدیریت

دیر هنگامی نیست که دانش مدیریت به عنوان یکی از رشته‌های علمی در مجامع دانشگاهی مطرح گردیده است. در واقع این تحولات اجتماعی و پیشرفت‌های صنعتی دو قرن اخیر بود که بازنگری در مقوله مدیریت با رویکرد علمی را اجتناب‌ناپذیر نمود. این رویکرد از آغاز تولد تاکنون با تحولات شگرفی همراه بوده است. در ابتدا آنچه برای عالمان مدیریت اهمیت داشت افزایش هرچه بیشتر کارایی سازمان به معنای حداکثر بهره‌وری از منابع و امکانات بود و آنچه از یاد رفت انسان بود و انگیزه‌ها، نیازها، عواطف و منزلت او به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عامل فرایند فعالیت‌های سازمانی؛ اما الزامات اجتماعی و توسعه دانش روان‌شناسی این از یاد رفتگی را چندان به تأخیر نینداخت، و با طرح انواع نظریه‌های روابط انسانی و رفتار سازمانی دانشوران حوزه مدیریت تلاش نمودند این نقیصه را جبران نمایند.

اما مگر ممکن است به انسان پرداخت و فرهنگ، تاریخ، نظام باورها، ارزشها و نیازهای مادی و معنوی او را به فراموشی سپرد. از این رهگذر است که به نظر می‌رسد نمی‌توان دانش مدیریت را، دانش صرفاً تجربی و بدور از دخالت اخلاق، معنویت و ارزشها تلقی نمود. از سوی دیگر درک و فهم دقیق نظریه‌های مدیریت نیز بدون بررسی بسترهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن نظریه‌ها که در شکل‌گیری آنها نقش

داشته‌اند، میسور نیست. بررسی این زمینه‌ها ما را به لایه‌های عمیق‌تری در بازشناسی نظریه‌های مدیریت رهنمون می‌سازد، به گونه‌ای که می‌توان جهت و معنای سطوح زیرین بسیاری از گزاره‌های این نظریه‌ها را شناخت، به عنوان مثال این نگرش ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که با توجه به وجود گونه‌های متفاوت و متنوع زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف، نمی‌توان انتظار جهان‌شمولی بسیاری از نظریه‌های مدیریتی را، که بر بستری خاص روئیده‌اند، داشت. از همین روی باید در صدد برآمدن تا متناسب با شرایط و علایق اجتماعی، فرهنگی و ارزشی جامعه‌مان و با مرور و درس‌آموزی از تمامی آنچه تاکنون نظریه‌پردازان و اندیشمندان پهنه مدیریت عرضه داشته‌اند، تقریری نو از دانش مدیریت ارائه داد، تا براساس آن به نظریه‌ها و الگوهای بومی دست یافت. هرچند دست یافتن به این مهم شوق‌انگیز و امیدآفرین است، اما با دو مخاطره جدی مواجه است، نخست آن که باید به دشواری و صعوبت آن توجه داشت و آن را امری ساده و سهل‌الوصول نپنداشت و دوّم، که مخاطره‌آمیزتر از اولی است، اینکه اشتغال به تأمل در این موضوع ما را از مطالعه و استفاده از دست‌آوردهای علمی دیگران غافل نسازد و آنها را خرد و ناچیز نشمرد؛ زیرا آنچه تاکنون تحت عنوان نظریه‌های مدیریت در سراسر عالم عرضه شده است حاصل اندوخته‌های تاریخ طولانی تمدن بشری است که برای حل پاره‌ای از مسائل فکری و عملی در حوزه مدیریت به کار گرفته شده است. فقط باید مراقب رنگ تعلق بود که بطور طبیعی به زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی - تاریخی مغرب زمین دارند. به همین جهت در هنگام کار بستن آن نظریه‌ها در جوامع دیگر با تاریخ، تمدن و فرهنگ متفاوت، ضروری است جانب احتیاط از دست نرود.

به این دلیل است که پرداختن به مقوله مدیریت بر مبنای آموزه‌های اسلامی ضروری می‌نماید؛ چرا که فرهنگ جامعه ما آمیخته به باورها و ارزش‌های اسلامی است، و متناسب با آن، لازم است الگوهایی از مدیریت ارائه گردد که با چنین شرایط فرهنگی سازگار باشد. متأسفانه آنچه در حال حاضر رواج دارد، نوعی تلقی عامیانه و سطحی از مدیریت در بین عوام و خواص است که مدیریت را در فرد مدیر خلاصه می‌بیند و از آن هم چیزی جز صلابت و اقتدار انتظار ندارد. در مقام عمل هم مدیر حکم دونده‌ای را دارد که باید تلاش فیزیکی او بیش از سایر اعضای سازمان نمایان باشد، در حالی که

برخلاف این تلقی، مدیریت هنر تأمل و اندیشیدن به راه‌حلها و تصمیم‌گیری برای انجام مناسب‌ترین راه‌حل ممکن است و مدیر کسی است که در ساحت مدیریتی خود، فیلسوفانه می‌اندیشد، عارفانه شفقت می‌ورزد و ماهرانه کار می‌کند و این هر سه در حوزه‌های تفکر استراتژیک، روابط سازمانی و اقدامات مدیریتی تحقق می‌یابد. خامی است اگر گمان برده شود، در زمان کنونی، مدیریت را می‌توان با تجربه‌های شخصی و اندوخته‌های غربال نشده از صحیح و سقیم، به کار بست.

باید تأملی کرد و طرحی نو در انداخت و شجاعانه در نگرشها، رفتارها و مناسبات خود تجدیدنظر نمود تا این همه شاهد فرسایش منابع و هرز رفتن امکانات مادی و معنوی کشور به خاطر عدم آشنایی با این دانش کاربردی نباشیم. حال که با رهنمودهای حکیمانه مقام معظم رهبری چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور مشخص گردیده، اندیشیدن به سازوکارهای اجرایی و فراهم نمودن زمینه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن نیز ضروری به نظر می‌رسد. یکی از اساسی‌ترین این اقدامات می‌تواند استفاده جدی از دانش آموختگان مدیریت باشد تا آنها بتوانند با بهره‌مندی از ابزارهای علمی به نحو مطلوبی اهداف این چشم‌انداز زیبا را محقق نمایند.

در پاسخ به این نیاز و به عنوان گامی بس کوتاه، فصلنامه حوزه و دانشگاه بر آن شد تا با طرح موضوع، اندیشه‌ورزان دانش مدیریت را بر آن دارد تا به این سو نیز نظری بیفکنند.

بر این اساس برای بررسی تطبیقی نظریه‌های علم مدیریت با آموزه‌های اسلامی سه رخداد برجسته تاریخ تحول مدیریت یعنی نهضت روابط انسانی، جنبش مدیریت کیفیت جامع و رهیافت اقتضایی به مدیریت مورد توجه قرار گرفته و استدلال شده است که افزایش شناخت انسان به تغییر سبکهای مدیریتی منجر شده است. توجه اخیر مجامع علمی به بعد معنوی انسان، نیاز به تأمل در ارزشهای معنوی و ادخال آموزه‌های دینی در نظریه‌ها و الگوهای مدیریتی را ضروری ساخته است.

پس از تبیین ضرورت توجه به مبانی دینی در نظریه‌های علم مدیریت، چگونگی نظریه‌پردازی در این حوزه معرفتی و تأثیر عوامل فرامعرفتی در آن، پیش‌فرضهای معرفت‌شناختی الگوهای مدیریتی متأثر از اسلام، مورد بررسی قرار گرفته است. استفاده از منبع آسمانی وحی یکی از این پیش‌فرضهاست که می‌تواند تأثیری عمیق

